

رابطه اهمیت اقتصادی صاحبکار با اظهار نظر مشروط و تعداد بندهای شرط گزارش حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی امیدفر*^۱ محمود لاری دشت بیاض^۲

^۱ مربی، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران (دانشجو دکتری حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد).

نویسنده مسئول: omidfaracc@mshdiau.ac.ir

^۲ استادیار، حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده: هدف این تحقیق بررسی رابطه بین اهمیت صاحبکار و گزارش حسابرس در بازار سرمایه ایران می‌باشد. نتایج تحقیقات گذشته در برخی از کشورها نشان می‌دهد که استقلال حسابرس ممکن است به واسطه اهمیت اقتصادی صاحبکار خاص تحت تاثیر قرار گیرد؛ که می‌تواند کیفیت حسابرسی را به‌طور مثبت (طبق فرضیه حفظ شهرت) و یا به‌طور منفی (طبق فرضیه وابستگی اقتصادی) تحت تاثیر قرار دهد. نتایج این تحقیق، با استفاده از یک نمونه آماری از شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۱، نشان داد که اهمیت اقتصادی صاحبکار یک رابطه مثبت و معنادار با اظهار نظر مشروط حسابرسی دارد. نتایج این مطالعه مطابق فرضیه حفظ شهرت می‌باشد؛ که از عدم تاثیر اهمیت صاحبکار بر استقلال حسابرسان در بازار سرمایه ایران حمایت می‌نماید. در خصوص متغیرهای کنترل نیز، نتایج نشان داد که مالکیت عمده و بازده دارایی‌های یک رابطه منفی و اظهار نظر مشروط سال قبل، اندازه شرکت و اهرم مالی یک رابطه مثبت با احتمال صدور گزارش مشروط و همچنین تعداد بندهای شرط اظهار نظرهای مشروط حسابرسی دارد.

واژگان کلیدی: استقلال حسابرس، اظهار نظر حسابرس، اهمیت صاحبکار، تعداد بندهای شرط.

مقدمه

این مطالعه این سؤال را به‌طور تجربی مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا در بازار سرمایه ایران اهمیت اقتصادی صاحبکار ارتباط معناداری با نوع اظهارنظر صادرشده توسط حسابرس دارد؟ انگیزه تحقیق، به‌واسطه نتایج به‌دست‌آمده مطالعات انجام شده در سایر کشورها می‌باشد؛ که نشان می‌دهد اهمیت صاحبکار می‌تواند استقلال و در نتیجه کیفیت کار حسابرس را تحت تاثیر قرار دهد (برای مثال گاگانیس، فوتیوس و دامپاس، ۲۰۰۷؛ چن، سان و ویو، ۲۰۱۰). طی سنوات گذشته، موضوع استقلال حسابرسان؛ به دلیل رسوایی‌های زیاد حسابداری که منتسب به ناتوانی‌های حسابرسی شده؛ مورد توجه زیادی قرار گرفته است. تئوری‌های اقتصادی استقلال حسابرس نشان می‌دهد که انگیزه حسابرسان برای زیر پا گذاری استقلال‌شان با اهمیت صاحبکار مرتبط می‌باشد (چانگ و کالاپور، ۲۰۰۳). این عقیده وجود دارد که برخی منافع، روابط و فعالیت‌ها می‌توانند تهدیدی واقعی یا متصور برای استقلال حسابرس باشند؛ که از جمله می‌توان به حق انتخاب حسابرس و پرداخت حق‌الزحمه وی توسط صاحبکار اشاره نمود. وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار می‌تواند این تصور را ایجاد نماید که مدیریت صاحبکار قدرت نفوذ بر قضاوت‌های وی را دارد. در این ارتباط، گول، کیم و کیو (۲۰۰۷) در تحقیق خود دریافتند صاحبکارانی که از نظر اقتصادی برای حسابرسان مهم‌تر هستند، کیفیت حسابرسی کمتری دارند. همچنین چن، سان و ویو (۲۰۱۰) با استفاده از یک نمونه از شرکت‌ها در کشور چین برای دوره قبل از وضع قانون حاکمیتی در سال ۲۰۰۱، نشان دادند که اهمیت صاحبکار به‌طور منفی با اظهارنظر تعدیل‌یافته حسابرس وابسته می‌باشد.

در عین حال، از سوی دیگر شواهد متضادی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد استقلال حسابرس تحت تاثیر اهمیت صاحبکار قرار نمی‌گیرد. به عنوان مثال، در تحقیق اخیر، محققان دریافتند که بعد از وضع قوانین حاکمیتی، این رابطه مثبت می‌باشد. همچنین ژو و ژیو (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های مالی ۶ کشور آسیایی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱، نشان دادند که حسابرسان کمتر احتمال دارد که استقلال‌شان را برای صاحبکاران مهم، بعد از بحران مالی آسیا زیر پا گذارند. بدین ترتیب، دو دیدگاه متضاد در ارتباط با تاثیر اهمیت اقتصادی صاحبکار بر استقلال حسابرسان مطرح می‌باشد: فرضیه حفظ شهرت و فرضیه وابستگی اقتصادی.

فرضیه‌های این پژوهش مبتنی بر بررسی رابطه میان اهمیت اقتصادی صاحبکار (با استفاده از معیار نسبت مبلغ حق‌الزحمه دریافتی هر موسسه حسابرسی از صاحبکار خاص نسبت به کلیه صاحبکاران آن موسسه در هر سال^۱) و اظهارنظر حسابرسان (بر اساس نوع اظهارنظر همچنین تعداد بندهای اظهارنظر مشروط) در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به‌طور کل، نتایج این مطالعه با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون، بر مبنای یک نمونه جمع‌آوری شده از میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۱، در حمایت از فرضیه حفظ شهرت نشان داد که اهمیت صاحبکار به‌طور مثبت با اظهارنظر مشروط حسابرسی وابسته می‌باشد. به عبارت دیگر، نمی‌توان بیان نمود که اهمیت اقتصادی صاحبکار در بازار سرمایه ایران کیفیت حسابرسی را خدشه‌دار می‌سازد.

انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاورد و ارزش افزوده علمی مهمی داشته باشد؛ که می‌توان به سه مورد آن اشاره نمود. اول اینکه نتایج این پژوهش می‌تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرسان شود. دوم اینکه شواهد این پژوهش می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد که آیا استقلال حسابرسان در بازار سرمایه ایران تحت تاثیر اهمیت و بزرگی صاحبکاران قرار می‌گیرد یا خیر. این موضوع می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار مشارکت‌کنندگان بازار به خصوص قانون‌گذاران بازار سرمایه همچنین سیاست‌گذاران رشته حسابداری قرار دهد. در نهایت، طبق بررسی انجام شده، این مطالعه نخستین تحقیق در بازار سرمایه ایران می‌باشد که به بررسی موضوع اهمیت اقتصادی صاحبکار می‌پردازد؛ بدین ترتیب بررسی این موضوع می‌تواند ایده‌های جدیدی را برای محققان در ارتباط با تاثیر اهمیت صاحبکار بر سایر زمینه‌های مالی و بازار سرمایه خلق نماید.

^۱ توجه شود که برخی تحقیقات در این ارتباط مانند بنی‌مهد، مرادزاده فرد و زینالی (۱۳۹۱) و عبادی خورده بلاغ و نظری (۱۳۹۳) انجام شده که از مبالغ حق‌الزحمه‌های حسابرسی در هر سال استفاده گردیده است. اما در این مطالعه، جهت اندازه‌گیری اهمیت اقتصادی صاحبکار، مبالغ حق‌الزحمه دریافتی از هر صاحبکار در هر سال بر مجموع حق‌الزحمه دریافتی هر موسسه حسابرسی در همان سال تقسیم می‌شود؛ که درصد بدست آمده به نوعی میزان وابستگی درآمد موسسه حسابرسی را از محل آن صاحبکار در یک سال خاص نشان می‌دهد.

باقیمانده این مقاله شامل چهار بخش زیر است. در بخش نخست، به تشریح مبانی نظری و فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. در بخش بعد، روش شناسی پژوهش ارائه می‌گردد. پس از آن، به بیان آمار توصیفی همچنین نتایج تحقیق پرداخته؛ و در نهایت مقاله با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها به پایان می‌رسد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

صورت‌های مالی حسابرسی شده به وسیله حسابرسان مستقل، وسیله بسیار مناسبی در انتقال اطلاعات قابل اتکاست. استقلال حسابرس می‌تواند به عنوان احتمال توأم اینکه حسابرس نقضی را کشف و در گزارش‌های مالی گزارش نماید، تعریف شود (دی آنجلو، ۱۹۸۱). حسابرس مستقل شایسته‌ترین شخص برای اظهارنظر درباره قابلیت اعتماد گزارش‌های مالی واحد اقتصادی می‌باشد. شایستگی حسابرس به این دلیل است که وی فردی مستقل بوده و حسابرسی را طبق استانداردهای حسابرسی انجام می‌دهد؛ تا اطمینان یابد که اقلام صورت‌های مالی مطابق با استانداردهای حسابداری تهیه شده است. بنابراین، حسابرس به ادعاهایی اعتبار می‌بخشد که توسط شخص دیگری در قالب صورت‌های مالی تهیه شده؛ و بدین وسیله قابلیت اتکای اطلاعات به کار رفته در تصمیمات اقتصادی را افزایش می‌دهد.

تئوری حسابداری نشان می‌دهد حسابرسانی که به صاحبکاران بزرگ خاصی متکی می‌باشند بیشتر احتمال دارد که استقلال‌شان را زیر پا گذارند (ماتز و شرف، ۱۹۶۱). یک سری از مطالعات تجربی نشان می‌دهد که وابستگی حق‌الزحمه حسابرسی یا غیر حسابرسی با کیفیت سود پایین‌تر وابسته می‌باشد (فرنکل، جانسن و نیلسون، ۲۰۰۲؛ گول، چن و تسوی، ۲۰۰۳). همچنین تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که با دریافت اظهارنظر تداوم فعالیت، صاحبکاران واکنش منفی بازار را تجربه می‌نمایند؛ و ریسک ناتوانی تجاری افزایش می‌یابد. در تحقیقی، شورورزی، زنده‌دل و اسماعیل‌زاده باغ‌سیاهی (۱۳۹۰) نشان دادند متغیرهای مالی و اظهارنظر حسابرس مستقل هر دو توانایی پیش‌بینی ورشکستگی در دوره مالی آتی را دارند؛ اما اظهارنظر حسابرس دارای برتری معناداری نسبت به متغیرهای مالی می‌باشد. در نتیجه، صاحبکارانی که اظهارنظر تداوم فعالیت دریافت می‌نمایند بیشتر

احتمال دارد که به امید کسب حسابرس انعطاف‌پذیرتر و دریافت گزارش مطلوب‌تر، حسابرس خود را تغییر دهند (ببینید لی، ۲۰۰۹). تاثیر از دست دادن یک صاحبکار مهم برای موسسات حسابرسی با اهمیت می‌باشد؛ زیرا این امر می‌تواند درآمد این موسسات را به‌طور با اهمیتی کاهش دهد. کمبسیون بورس و اوراق بهادار نیویورک (۲۰۰۲) بیان می‌کند اگر حق‌الزحمه یک حسابرسی بیش از ۱۵ درصد کل درآمد آن مؤسسه را تشکیل دهد، ممکن است استقلال آن را از بین ببرد زیرا، امکان دارد وابستگی مؤسسه حسابرسی به یک صاحبکار یا صاحبکاران خاص خیلی زیاد شود (نقل از سجادی، ۱۳۸۶).

در تحقیقی، لی (۲۰۰۹) دریافت که قراردادهای اقتصادی بین شرکت‌های حسابرسی و مشتریان می‌تواند استقلال را تحت تاثیر قرار دهد، بدین معنی که سطح فشار صاحبکار افزایش می‌یابد. در واقع، حسابرس از طرفی نگران جذب و حفظ صاحبکار و از طرف دیگر، نگران وقوع یک نارسایی در اجرای عملیات حسابرسی و در پی آن تحمل زیان مالی و لطمه به خوش نامی خود می‌باشد. بنابراین، انجام حسابرسی با کیفیت پایین نیز می‌تواند معروفیت حسابرس، حفظ و کسب صاحبکاران جدید را تحت تاثیر قرار دهد (رینولدز و فرنسیس، ۲۰۰۱). بدین ترتیب، دو دیدگاه متضاد در ارتباط با تاثیر اهمیت اقتصادی صاحبکار بر استقلال حسابرسان مطرح می‌باشد: فرضیه حفظ شهرت و فرضیه وابستگی اقتصادی.

فرضیه حفظ شهرت

کمیته استانداردهای استقلال^۲ (۱۹۹۹) شهرت و اعتبار مؤسسه حسابرسی را مهمترین عامل حفاظت از استقلال آن می‌داند. حجم وسیعی از تحقیقات نظری و تجربی نشان می‌دهد که به دلیل موضوع معروفیت موسسات حسابرسی و هزینه دعاوی علیه آنها، حسابرسان انگیزه‌های مبتنی بر بازار و ذاتی برای عمل مستقلانه دارند (ببینید لی، ۲۰۰۹). استدلال می‌شود که موسسات بزرگ حسابرسی از شهرت بالاتری برخوردارند و معمولاً هزینه بیشتری را صرف آموزش حسابرسان خود می‌نمایند و کنترل کیفی قوی‌تری دارند؛ و برای افزایش کیفیت حسابرسی خود، سرمایه‌گذاری زیادی می‌نمایند (ببینید چی، دانت و لیسیس، ۲۰۱۲). در این ارتباط، پارک (۲۰۱۵) نشان داد انگیزه حسابرسان (به

^۲. Independence Standards Board

واسطه اهمیت اقتصادی صاحبکاران) منجر به کیفیت سود بهتر می‌گردد. فونگ، ژو و ژيو (۲۰۱۶) نیز در یک تحقیق بین‌المللی نشان دادند حسابرسان بیشتر احتمال دارد برای صاحبکاران به لحاظ اقتصادی مهم اظهارنظر مشروط صادر نماید خصوصا برای حسابرسان بزرگ^۳، صاحبکاران چندملیتی و در کشورهای با قوانین قوی‌تر؛ که نشان می‌دهد حسابرسان نسبت به حفظ شهرت‌شان توجه دارند. کارسلو و پالمروز (۱۹۹۴) شواهدی ارائه نمودند که برای صاحبکاران ورشکسته، گزارش حسابرسی تعدیل‌یافته گذشته می‌تواند ادعای شکایت علیه حسابرسان را تضعیف نماید. طبق این فرضیه، نتایج تحقیقات گذشته حاکی از عدم تاثیر منفی اهمیت صاحبکار بر کیفیت حسابرسی می‌باشد؛ که به وسیله مدیریت سود (چانگ و کالاپور، ۲۰۰۳)، تجدیدارائه حسابداری (کینی، پالمروز و اسکولز، ۲۰۰۴) و اظهارنظر حسابرس (رینولدز و فرنسیس، ۲۰۰۱؛ کراسول، استاکز و لاوتون، ۲۰۰۲) اندازه‌گیری شده است.

فرضیه وابستگی اقتصادی

همان گونه که بیان گردید، اظهارنظر حسابرسی تعدیل‌شده علامت مهمی برای بازار در خصوص نقص کیفیت گزارشگری شرکت‌ها؛ و متعاقبا واکنش منفی بازار می‌باشد. پرتفوی هر مؤسسه حسابرسی از صاحبکارانی تشکیل شده است؛ که هر کدام از اهمیتی خاص، اما متفاوت برخوردار می‌باشند؛ و هر حسابرس یا مؤسسه حسابرسی سعی می‌کند صاحبکار خود را حفظ نماید. از آنجا که اظهارنظر تعدیل‌شده یک خروجی قابل مشاهده و واضح از سیستم حسابرسی می‌باشد، و به دلیل تاثیرات منفی واکنش بازار و متعاقبا تصمیم صاحبکار مبنی بر تغییر حسابرس؛ حسابرسان ممکن است از انتشار این گونه گزارش‌ها جهت حفظ صاحبکاران مهم و بزرگ بپرهیزند. در واقع، علیرغم مسئله حفظ شهرت برای موسسات حسابرسی، در عین حال به دلیل برخی فشارهای موجود، ممکن است استقلال حسابرس نقض شود. بلای (۲۰۰۵) در پژوهش خود دریافت هرگاه حسابرس با احتمال از دست دادن صاحبکار روبرو شود، در آن صورت مطابق میل آن گزارش خود را صادر می‌کند.

چی، داث و لیسسیس (۲۰۱۲) با استفاده از معیارهای مختلف استقلال حسابرس (شامل مدیریت سود، نوع اظهارنظر حسابرس و تمایل صاحبکاران به حصول سود هدف) نشان دادند شرکاء موسسات

³ Big N auditors

حسابرسی استقلال خودشان را به دلیل اهمیت اقتصادی صاحبکاران شان نقض می‌نمایند. البته این شواهد فقط در خصوص شرکاء موسسات حسابرسی غیر بزرگ⁴ حاصل گردید. حسین، مونرو، ویلسون و جاب (۲۰۱۶) نیز با استفاده از دو معیار اظهارنظر تداوم فعالیت و قدممطلق اقلام تعهدی اختیاری نشان دادند که وابستگی شریک حسابرسی به حق الزحمه دریافتی از شرکت‌های متعلق به شبکه (شرکت‌هایی که عضو کمیته حسابرسی و همچنین حسابرس یکسان دارند)، کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد. بطور کل، این سوءظن وجود دارد که منافع مالی حسابرسان ناشی از صاحبکاران شان (وابستگی مالی) بتواند بطور منفی استقلال آنها؛ و در نتیجه کیفیت حسابرسی را خدشه‌دار سازد (چن، سان و ویو، ۲۰۱۰).

پیشینه تجربی

طبق بررسی انجام شده، تحقیق داخلی در خصوص اهمیت اقتصادی صاحبکار انجام نشده است. در ادامه به تشریح نتایج تحقیقات خارجی بدست آمده در راستای تئوری‌های تحقیق پرداخته می‌شود. در حمایت از فرضیه حفظ شهرت، ژو و ژیو (۲۰۱۲) همچنین چی، داث و لیسیس (۲۰۱۲) رابطه معناداری میان اهمیت صاحبکار (اندازه‌گیری شده به وسیله نسبت فروش صاحبکاران) و اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرس نیافتند. کراسول، استاکز و لاوتون (۲۰۰۲) با استفاده از داده شرکت‌های استرالیایی طی دوره ۱۹۹۴ الی ۱۹۹۶ به بررسی رابطه میان وابستگی حق الزحمه حسابرس، اندازه-گیری شده بوسیله نسبت حق الزحمه حسابرسی صاحبکار به کل حق الزحمه حسابرسی، و تمایل به انتشار گزارش مشروط حسابرسی پرداختند. آنها دریافتند که هیچ رابطه‌ای میان وابستگی حق الزحمه حسابرسی و اظهارنظر مشروط حسابرسی وجود ندارد. در تحقیقی دیگر، چانگ و کالاپور (۲۰۰۳) با استفاده از نسبت حق الزحمه حسابرسی و غیرحسابرسی به کل درآمد موسسه حسابرسی، رابطه معنی-داری بین اهمیت صاحبکار و مدیریت سود نیافتند.

نتایج لی (۲۰۰۹) نیز در مخالفت از این عقیده بود که حق الزحمه بالاتر استقلال حسابرسان را در ارتباط با اظهارنظرشان خدشه‌دار می‌سازد. وی دریافت که رابطه معنی‌داری بین نسبت حق الزحمه حسابرسی و غیرحسابرسی (به کل حق الزحمه حسابرسی و غیرحسابرسی) و اظهارنظر مشروط برای

⁴ Non-big N auditors

شرکت‌های دارای استرس مالی برای دوره زمانی قبل از قانون SOX وجود ندارد. نتایج وی همچنین نشان داد که حتی این رابطه بعد از وضع قانون SOX مثبت می‌باشد. همچنین چن، سان و ویو (۲۰۱۰) با استفاده از یک نمونه از شرکت‌ها در کشور چین برای دوره قبل و بعد از وضع قانون حاکمیتی در سال ۲۰۰۱، دریافتند که اهمیت صاحبکار بعد از وضع تغییرات، بطور مثبت با اظهارنظر تعدیل یافته حسابرس وابسته می‌باشد.

در تحقیقی دیگر، رینولدز و فرنسیس (۲۰۰۱) با استفاده از داده‌های سال ۱۹۹۶ به بررسی این موضوع پرداختند که آیا نفوذ صاحبکار بزرگ، تصمیمات گزارشگری حسابرسان ۵-بزرگ^۵ را تحت تاثیر قرار می‌دهد یا خیر. نفوذ صاحبکار به صورت نسبت خالص فروش صاحبکار به کل فروش خالص تمام صاحبکاران حسابرسی شده بوسیله آن حسابرس اندازه‌گیری شده است. آنها دریافتند که نفوذ صاحبکار بطور منفی با ارقام تعهدی اختیاری و بطور مثبت با اظهارنظر تداوم فعالیت^۶ حسابرس وابسته است. این نشان می‌دهد که حسابرسان ۵-بزرگ در اظهارنظر نسبت به صاحبکاران بزرگتر حتی محافظه‌کارتر می‌باشند. در همین راستا، هانت و لالسجد (۲۰۰۷) بر خلاف پیش‌بینی‌هایشان دریافتند که اهمیت صاحبکار (اندازه‌گیری شده با استفاده از نسبت فروش صاحبکاران) رابطه‌ای مثبت و معنادار با کیفیت سود دارد. نتایج پارک (۲۰۱۵) همچنین فونگ، ژو و ژبو (۲۰۱۶) نیز در همین راستا می‌باشند.

در ارتباط با فرضیه وابستگی اقتصادی، تحقیقات نشان می‌دهد اهمیت اقتصادی صاحبکار کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد. لی، های و نیچل (۲۰۰۳) به بررسی خدمات غیرحسابرسی و استقلال حسابرس در محیط نیوزلند پرداختند. آنان به این نتیجه رسیدند که بین حق‌الزحمه حسابرسی و میزان حق‌الزحمه‌های غیرحسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد، که می‌تواند استقلال حسابرس را نقض نماید. کینی، پالمروز و اسکولز (۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های شرکت‌های انگلستان، دریافتند که میزان حق‌الزحمه‌های خدمات غیرحسابرسی صاحبکاران خاص به ترتیب با ارقام تعهدی اختیاری و احتمال تجدیدارائه بیشتر وابسته می‌باشد. بطور مشابه، باسیودس، گیگر و پاپاناستاسیو (۲۰۰۶) دریافتند که حق‌الزحمه غیرحسابرسی بیشتر با اظهارنظر حسابرسی مشروط کمتر برای شرکت‌های دارای استرس

^۵. Big-5

^۶. Going-concern

مالی وابسته می‌باشد. گول، کیم و کیو (۲۰۰۷) در تحقیق خود در کشور چین به این نتیجه رسیدند صاحبکارانی که از نظر اقتصادی برای حسابرسان مهم‌تر هستند، کیفیت حسابرسی کمتری دارند. گانگنیس، فوتیوس و دامپاس (۲۰۰۷) طی پژوهشی در یونان دریافتند که میان حق‌الزحمه حسابرس و صدور گزارش مقبول رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. چن، سان و ویو (۲۰۱۰) نیز استدلال می‌نمایند که به دلیل هزینه‌های مرتبط با شروع حسابرسی صاحبکار خاص، حسابرسان نسبت به رقبای خود مزیت صرفه اقتصادی در حسابرسی‌های بعدی دارند. بنابراین انتظار نمی‌رود که نسبت به صاحبکار خود کاملا مستقل باشند. آنها دریافتند اهمیت صاحبکار قبل از وضع تغییرات حاکمیت شرکتی (سال ۲۰۰۱) بطور منفی با اظهارنظر تعدیل یافته حسابرس وابسته می‌باشد. شارما، شارما و آناثاناریان (۲۰۱۱) استدلال نمودند هرگاه کمیته حسابرسی بد عمل نماید، اهمیت اقتصادی صاحبکار استقلال حسابرس و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی را تهدید می‌نماید. آنها نشان دادند که اهمیت صاحبکار رابطه مثبت با میزان ارقام تعهدی اختیاری دارد. نتایج چی، داث و لیبیس (۲۰۱۲) همچنین حسین، مونرو، ویلسون و جاب (۲۰۱۶) نیز در حمایت از این فرضیه می‌باشد.

تحقیقات مروری نیز در حمایت از این فرضیه می‌باشند. برای مثال، سجادی (۱۳۸۶) به بررسی تاثیر خدمات غیرحسابرسی و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار بر استقلال حسابرسان پرداخته است. در این تحقیق تاثیر خدمات غیرحسابرسی و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار بر استقلال حسابرسان از دیدگاه حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از نظر حسابرسان مزبور ارائه خدمات غیرحسابرسی و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار از عوامل کاهنده استقلال حسابرس می‌باشند. بارتلت (۱۹۹۳) در تحقیقی تأثیر وابستگی اقتصادی را در دو حالت (۱۰ درصد و ۴۰ درصد درآمد یک مؤسسه حسابرسی از یک صاحبکار خاص) بر استقلال حسابرس (صفر تا ۱۰۰ درصد) بررسی کرد. از دیدگاه حسابرسان مستقل و مدیران بانک‌ها میزان کاهش استقلال در حالت اول به ترتیب ۸۹ و ۷۵ درصد و در حالت دوم ۷۲ و ۶۰ درصد بوده است. تئو و لیم (۱۹۹۴) در تحقیقی در کشور مالزی به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه حسابرسان و حسابداران، وابستگی اقتصادی (بیش از ۱۵ درصد درآمد یک مؤسسه حسابرسی از یک صاحبکار خاص) در میان پنج عامل کاهنده استقلال، موثرترین عامل کاهنده استقلال حسابرس بوده است.

بیتی، برنت و فیرنلی (۱۹۹۹) نیز وابستگی اقتصادی مؤسسه حسابرسی به صاحبکار را به همراه ۲۳ متغیر دیگر به عنوان عوامل کاهنده استقلال حسابرسی بررسی کردند. آنان به این نتیجه رسیدند که وابستگی اقتصادی از دیدگاه مدیران مالی شرکت‌ها، شرکای اصلی مؤسسات حسابرسی و تحلیل-گران مالی به ترتیب اولین، دومین و هفتمین عامل کاهنده استقلال در میان ۲۴ عامل کاهنده استقلال به شمار می‌روند. قوش، کالاپور و مون (۲۰۰۵) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه سرمایه‌گذاران بین اهمیت صاحبکار و استقلال حسابرسی رابطه منفی مهمی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش اهمیت صاحبکار برای حسابرسی، دیدگاه سرمایه‌گذاران نسبت به استقلال حسابرسی کاهش می‌یابد.

فرضیه های پژوهش

بر اساس تحقیق بنی‌مهد، مرادزاده فرد و زینالی (۱۳۹۱) که یک رابطه مستقیم از تاثیر حق‌الزحمه بر اظهارنظر مقبول حسابرسی گزارش نمودند، استدلال می‌شود که یک نوع همسویی میان منافع مدیر و حسابرسی در شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران وجود دارد. بر این اساس و در حمایت از فرضیه وابستگی اقتصادی فرضیه‌های تحقیق به شرح ذیل ارائه می‌گردند:

فرضیه ۱: یک رابطه معنادار و منفی میان اهمیت اقتصادی صاحبکار و اظهارنظر مشروط حسابرسی وجود دارد.

فرضیه ۲: یک رابطه معنادار و منفی میان اهمیت اقتصادی صاحبکار و تعداد بندهای شرط اظهارنظر مشروط حسابرسی وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

جامعه مورد نظر در تحقیق حاضر، کلیه شرکت‌هایی می‌باشند که از سال ۱۳۸۳ و یا قبل از آن در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. قلمرو زمانی تحقیق نیز یک دوره ۹ ساله از ابتدای سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ می‌باشد. برای تعیین نمونه تحقیق، از کل داده‌های در دسترس استفاده شده است. در عین حال، شرکت‌ها و موسسات مالی از نمونه انتخابی تحقیق به دلیل نوع گزارشگری خاص‌شان، حذف گردیدند. همچنین شرکت‌هایی که طبق مصوبه شورای عالی بورس تغییر حسابرسی اجباری

داشته‌اند^۷، جهت کنترل متغیر تغییر حسابرِس (اختیاری) در نمونه تحقیق جای نگرفتند. در نهایت، به دلیل اینکه موضوع این مطالعه در فرضیه دوم بررسی ارتباط بین اهمیت صاحبکار و تعداد بندهای اظهارنظر مشروط می‌باشد، شرکت‌هایی که اظهارنظر مردود و یا عدم اظهارنظر را در سال خاصی تجربه نموده‌اند، نیز از نمونه نهایی خارج شدند. بدین ترتیب، ۵۳۰ مشاهده شرایط فوق را دارا بودند؛ که به عنوان نمونه آماری جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده گردیدند. داده‌های پژوهش از روی صورت‌های مالی شرکتها همچنین پایگاه داده ره‌آورد نوین گردآوری؛ و آزمون فرضیه‌ها نیز بر اساس رگرسیون چندمتغیره انجام شده است.

مدل تحقیق

مدل رگرسیون زیر جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده می‌گردد. تمام متغیرها در انتهای هر سال شناسایی شده‌اند؛ مگر خلاف آن ذکر گردد.

$$\text{Opinions}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Import}_{it} + \beta_2 \text{Block}_{it} + \beta_3 \text{AuSize}_{it} + \beta_4 \text{Switch}_{it} + \beta_5 \text{PreOpi}_{i,t-1} + \beta_6 \text{FmSize}_{it} + \beta_7 \text{ROA}_{it} + \beta_8 \text{Liq}_{it} + \beta_9 \text{Lev}_{it} + \beta_{10} \text{Loss}_{i,t-1} + \beta_k \sum_{k=1}^{20} \text{Years} + \beta_j \sum_{j=21}^{35} \text{Industries} + \varepsilon_t$$

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته در این تحقیق اظهارنظر حسابرِس (Opinions) می‌باشد. برای آزمون فرضیه نخست، اظهارنظر حسابرِس به دو دسته مشروط و مقبول مجزا می‌شوند، در صورتی که در سال جاری شرکت اظهارنظر مشروط دریافت نموده باشد، عدد یک در غیر این صورت صفر تعریف می‌شود (مطابق چن، سان و ویو، ۲۰۱۰). بدین ترتیب، مدل فرضیه نخست به صورت رگرسیون لجستیک خواهد بود. جهت آزمون فرضیه دوم، تعداد بندهای اظهارنظر مشروط مورد توجه قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب که

^۷ طبق این دستورالعمل (۱۳۸۶)، موسسات حسابرِس و شرکای مسئول کار حسابرِس هر یک از اشخاص حقوقی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال مجدداً سمت حسابرِس مستقل و بازرِس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند.

برای اظهارنظرهای مقبول عدد صفر و برای اظهارنظرهای مشروط تعداد بندهای شرط مربوطه لحاظ می‌شود. متغیرهای مستقل پژوهش نیز به شرح زیر می‌باشند.

اهمیت صاحبکار (Import): به عنوان متغیر اصلی تحقیق، مطابق اکثر تحقیقات انجام شده در این زمینه (برای مثال چانگ و کالاپور، ۲۰۰۳؛ هانت و لالسجد، ۲۰۰۷؛ لی، ۲۰۰۹)، اهمیت اقتصادی صاحبکار با استفاده از نسبت حق‌الزحمه دریافتی حسابرس در یک سال خاص از یک صاحبکار نسبت به کل حق‌الزحمه دریافتی وی در آن سال بدست می‌آید.^۸

در کنار متغیر اصلی تحقیق، یک سری از متغیرهای دیگر نیز به عنوان متغیرهای کنترلی وارد مدل شده‌اند که طبق تحقیقات گذشته می‌توانند بر نوع اظهارنظر حسابرس موثر باشند. نخست متغیر تمرکز مالکیت (Block) می‌باشد. دیانتی دیلمی و ملک محمدی (۱۳۹۲) نشان دادند که تمرکز مالکیت رابطه مثبت با کیفیت گزارشگری مالی دارد. به اعتقاد چانگ و کالاپور (۲۰۰۳) انگیزه حسابرسان برای زیر پا گذاری استقلال با تقویت حاکمیت شرکتی کاهش می‌یابد. برای اندازه‌گیری تمرکز مالکیت در این تحقیق، از مجموع درصد مالکیت متعلق به سهامداران عمده شرکت (مالکان بیش از ۵ درصد سهام) استفاده می‌گردد. در ارتباط با اندازه حسابرس (AuSize)، حساس‌یگانه و آدین‌فر (۱۳۸۹) یک رابطه منفی و معنادار از ارتباط میان اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی گزارش نمودند. در عین حال، لی (۲۰۰۹) یک رابطه مثبت گزارش نمود. چی، داث و لیسیس (۲۰۱۲) شواهدی نیافتند که حسابرسان BigN استقلال خود را در ارتباط با صاحبکاران به لحاظ اقتصادی بزرگ زیر پا گذارند، در حالی که این شواهد در خصوص حسابرسان غیر بزرگ یافت شد. در این تحقیق، در صورتی که حسابرس شرکت در سال جاری "سازمان حسابرسی" باشد عدد یک؛ در غیر این صورت صفر تعریف می‌شود.

در ارتباط با متغیر کنترلی تغییر حسابرس (Switch)، عباس‌زاده و منظرزاده (۱۳۹۰) یک رابطه منفی میان تغییر حسابرس و گزارش مقبول حسابرسی نشان دادند. بنی‌مهد، مرادزاده فرد و زینالی (۱۳۹۲) با استفاده از یک نمونه شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۱ الی

^۸ مطابق کمیسیون بورس و اوراق بهادار نیویورک (۲۰۰۲)، از آنجا که حق‌الزحمه دریافتی حسابرسان مهمترین عامل وابستگی اقتصادی یا حفظ استقلال حسابرسی محسوب می‌گردد، از این معیار جهت اندازه‌گیری اهمیت صاحبکاران استفاده شده است.

۱۳۸۹ دریافتند که تغییر حسابرس رابطه مستقیم با تغییر اظهارنظر حسابرسی دارد؛ که به اعتقاد آنها این امر نشان دهنده پدیده گزینش اظهارنظر در بازار حسابرسی ایران می‌باشد. کری، گیگر و اکلن (۲۰۰۸) در استرالیا دریافتند میان تغییر حسابرس و صدور گزارش حسابرسی غیرمقبول درباره تداوم فعالیت رابطه مستقیم وجود دارد. در خصوص اظهارنظر سال قبل (PreOpi)، باقرپور، ساعی، مشکانی و باقری (۱۳۹۲) گزارش نمودند که اظهارنظر سال قبل حسابرس جزء با اهمیت‌ترین متغیرها جهت پیش‌بینی نوع اظهارنظر سال جاری حسابرس مستقل می‌باشد.

اندازه صاحبکار (FmSize) معرف اندازه شرکت می‌باشد. طبق استدلال لی (۲۰۰۹) شرکت‌های بزرگتر از قدرت چانه‌زنی بیشتری در فرایند تصمیم‌گیری حسابرسان برخوردار می‌باشند. آنها یک رابطه منفی را در ارتباط با رابطه بین اندازه شرکت و احتمال دریافت اظهارنظر تداوم فعالیت نشان دادند. بدین ترتیب، می‌توان یک رابطه منفی از ارتباط میان اندازه شرکت و اظهارنظر مشروط حسابرسی انتظار داشت. این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی جمع فروش شرکت اندازه‌گیری می‌گردد. بازده دارایی‌ها (ROA) متغیر کنترلی بعدی می‌باشد. جامعی، هلشی و حاجی عیدی (۱۳۹۱) اظهار داشتند بهبود عملکرد مدیریت سبب کاهش صدور گزارش مشروط می‌شود. مطابق لی (۲۰۰۹)، این متغیر وضعیت عملکرد شرکت را نشان می‌دهد؛ که از تقسیم سود (زیان) خالص دوره به جمع دارایی‌های آن بدست می‌آید.

مطابق لی (۲۰۰۹)، متغیر نسبت نقدینگی (Liq) ریسک نقدینگی شرکت را نشان می‌دهد؛ که از تقسیم دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری حاصل می‌شود. وی دریافت شرکت‌هایی که اظهارنظر تداوم فعالیت دریافت می‌نمایند ریسک نقدینگی بیشتری دارند. در این تحقیق، نسبت اهرمی (Lev) شاخصی برای اندازه‌گیری ریسک مالی شرکت می‌باشد. این نسبت از طریق تقسیم جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها به دست می‌آید. طبق تحقیق باقرپور، ساعی، مشکانی و باقری (۱۳۹۲) نسبت بدهی جزء با اهمیت‌ترین متغیرها در پیش‌بینی اظهارنظر حسابرس محسوب می‌شود. مطابق نتایج لی (۲۰۰۹) یک رابطه مثبت از ارتباط میان اهرم و اظهارنظر مشروط انتظار می‌رود. گزارش زیان در سال قبل (Loss) نیز از عواملی است که می‌تواند اظهارنظر حسابرس را تحت تاثیر قرار دهد. لی (۲۰۰۹) نشان داد که یک رابطه مثبت میان زیان ده بودن شرکت و اظهارنظر مشروط حسابرسی وجود دارد. همچنین بنی‌مهد، مرادزاده فرد و زینالی (۱۳۹۲) یک رابطه منفی میان زیان ده بودن شرکت و تغییر

اظهارنظر حسابرس وجود دارد. مطابق تحقیقات گذشته، اگر شرکت مورد رسیدگی در پایان سال قبل زیان خالص گزارش نموده باشد، یک در غیر این صورت مقدار آن صفر می‌باشد. در نهایت، طبق گاگانیس، فوتیوس و دامپاس (۲۰۰۷) نوع صنعت یکی از عوامل تاثیر گذار بر نوع اظهارنظر حسابرس می‌باشد. بدین ترتیب، با استفاده از متغیرهای مصنوعی تاثیرات مرتبط با صنعت و سال نیز کنترل می‌گردند.

یافته های پژوهش

در این بخش، به آزمون و تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. جهت آزمون فرضیه نخست، از رگرسیون لجستیک و آزمون فرضیه دوم، از رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده می‌شود. با توجه به اهمیت نرمال بودن توزیع داده‌ها در استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره، نرمال بودن مدل-های تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمینروف مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان دهنده آن است که مدل برآورد شده در سطح قابل قبولی نرمال می‌باشند. همچنین معناداری مدل خطی برآورد شده با استفاده از آماره F صورت پذیرفته که با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های مورد استفاده پژوهش معنادار است. در نهایت، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۵۵۲) مدل برازش شده خطی که در جدول نتایج ارائه شده، می‌توان دریافت که مدل‌های برآورد شده مشکل خودهمبستگی ندارند. در ادامه، ابتدا به بررسی آمار توصیفی متغیرهای تحقیق پرداخته و سپس به بحث و تفصیل نتایج بدست آمده پرداخته می‌شود.

آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. طبق این جدول، ۶۲ درصد مشاهدات دارای اظهارنظر مشروط می‌باشند. همچنین حداقل و حداکثر تعداد بندهای شرط اظهارنظرهای مشروط حسابرسی به ترتیب ۱ و ۸ بند شرط می‌باشد. میانگین تمرکز مالکیت در بازار سرمایه ایران طبق نمونه این تحقق ۷۴ درصد می‌باشد. همچنین این جدول نشان می‌دهد که ۲۳ درصد نمونه از سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس خود استفاده نموده‌اند؛ و ۲۰ درصد تغییر حسابرس در این نمونه تجربه شده است. در نهایت می‌توان بیان نمود که گزارش زیان سال قبل شرکت‌ها بطور میانگین ۸ درصد بوده است. در ادامه به ارائه نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	علامت اختصاری	حداقل	حداکثر	میانگین	میانانه	انحراف معیار
نوع اظهارنظر حسابرس	Opinions	۰	۱	۰/۶۲	۱	۰/۴۸۵
تعداد بندهای شرط	Opinions	۱	۸	۲/۶۸	۲	۱/۷۲۱
اهمیت صاحبکار	Import	۰/۰۰۱	۱	۰/۴۵۲	۰/۳۲۷	۰/۳۸۸
مالکیت عمده	Block	۰/۰۰	۹۹/۹	۷۴/۱۲	۷۹	۱۸/۵۱
نوع حسابرس	AuSize	۰	۱	۰/۲۳	۰	۰/۴۲۴
تغییر حسابرس	SAudit	۰	۱	۰/۲۰	۰	۰/۴۰۱
اظهارنظر سال قبل حسابرس	PreOpi	۰	۱	۰/۶۵	۱	۰/۴۷۷
اندازه شرکت	FmSize	۹/۴۱	۱۶/۸۲	۱۲/۷۲	۱۲/۶۰	۱/۲۵۳
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۳۴۷	۰/۵۶۷	۰/۱۰۸	۰/۰۹۴	۰/۱۲۲
نسبت جاری	Liq	۰/۲۰۲	۳/۳۸۶	۱/۲۰۲	۱/۱۴۶	۰/۴۶۴
اهرم مالی	Lev	۰/۱۸۷	۱/۶۶۷	۰/۶۸۶	۰/۶۷۰	۰/۲۲۲
عملکرد سال قبل	Loss	۰	۱	۰/۰۸	۰	۰/۲۷۵

آزمون فرضیه‌های تحقیق

نتایج فرضیه نخست تحقیق

جدول ۲ نتایج مرتبط با فرضیه نخست تحقیق، مبنی بر رابطه بین اهمیت صاحبکار و نوع اظهارنظر حسابرس را ارائه می‌نماید. طبق این فرضیه، پیش‌بینی می‌شود اهمیت اقتصادی صاحبکار رابطه منفی و معناداری با احتمال صدور اظهارنظر مشروط حسابرسی دارد. در حمایت از فرضیه حفظ شهرت، نتایج بدست آمده خلاف فرضیه تحقیق را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، طبق شواهد بدست آمده، اهمیت صاحبکار یک رابطه مثبت و معنادار با احتمال صدور اظهارنظر مشروط حسابرسی دارد (P-value=0.021)؛ که بر خلاف فرضیه وابستگی اقتصادی می‌باشد. از میان متغیرهای کنترل نیز متغیرهای اظهارنظر سال قبل، اندازه شرکت و اهرم مالی یک رابطه مثبت و معنادار همچنین متغیرهای مالکیت عمده و بازده دارایی‌ها یک رابطه منفی و معنادار (در سطح خطای ۱۰ درصد) با اظهارنظر مشروط حسابرسی دارند.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه نخست

متغیر	علامت اختصاری	ضرایب	خطای استاندارد	آماره والد	سطح معناداری
مقدار ثابت مدل	α	-۲/۲۰۴	۲/۲۸۳	۰/۹۳۱	۰/۱۶۷
اهمیت صاحبکار	Import	-۰/۸۷۰	۰/۴۳۱	۴/۰۸۱	۰/۰۲۱
مالکیت عمده	Block	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۸	۹/۰۰۶	۰/۰۰۱
نوع حسابرس	AuSize	۰/۲۰۱	۰/۳۸۳	۰/۲۷۵	۰/۳۰۰
تغییر حسابرس	SAudit	۰/۰۶۳	۰/۳۲۴	۰/۰۳۸	۰/۴۲۳
اظهارنظر سال قبل حسابرس	PreOpi	۲/۰۲۶	۰/۲۵۲	۶۴/۷۷۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	FmSize	۰/۲۳۸	۰/۱۳۷	۳/۰۲۴	۰/۰۴۱
بازده دارایی‌ها	ROA	-۵/۸۸۶	۱/۵۵۸	۱۴/۲۶۸	۰/۰۰۰
نسبت جاری	Liq	۰/۲۶۶	۰/۴۲۳	۰/۳۹۵	۰/۲۶۵
اهرم مالی	Lev	۱/۴۵۷	۱/۱۸۷	۱/۵۰۶	۰/۰۵۹
عملکرد سال قبل	Loss	-۲/۲۰۴	۲/۲۸۳	۰/۹۳۱	۰/۱۶۷

نتایج فرضیه دوم تحقیق

در این بخش، به بررسی نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم تحقیق پرداخته می‌شود. مطابق این فرضیه، پیش‌بینی می‌شود اهمیت صاحبکار رابطه منفی و معناداری با تعداد بندهای شرط اظهارنظر مشروط حسابرسی دارد. جدول ۳، نتایج بدست آمده در این خصوص را نشان می‌دهد. مطابق شواهد بدست آمده، اهمیت اقتصادی صاحبکار رابطه معناداری با تعداد بندهای شرط گزارش حسابرسی ندارد ($P\text{-value}=0.407$). در خصوص متغیرهای کنترل نیز، مشابه قبل متغیرهای مالکیت عمده، بازده دارایی‌ها و نوع حسابرس بطور منفی و متغیرهای اظهارنظر سال قبل حسابرس، اندازه شرکت و اهرم مالی بطور مثبت با تعداد بندهای شرط اظهارنظر مشروط حسابرسی وابسته می‌باشند.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	علامت اختصاری	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت مدل	α	-۱/۰۳۶	۰/۸۹۶	-۱/۱۵۶	۰/۱۲۴

۰/۴۰۷	۰/۲۳۵	۰/۱۸۳	۰/۰۴۳	Import	اهمیت صاحبکار
۰/۰۰۱	-۳/۰۹۱	۰/۰۰۳	-۰/۰۱۰	Block	مالکیت عمده
۰/۰۸۲	-۱/۳۹۴	۰/۱۹۴	-۰/۲۷۱	AuSize	نوع حسابرس
۰/۳۰۴	-۰/۵۱۳	۰/۱۴۴	-۰/۰۷۴	SAudit	تغییر حسابرس
۰/۰۰۸	۲/۴۱۹	۰/۱۵۵	۰/۳۷۵	PreOpi	اظهار نظر سال قبل حسابرس
۰/۰۴۵	۱/۷۰۹	۰/۰۶۰	۰/۱۰۳	FmSize	اندازه شرکت
۰/۰۲۰	-۲/۰۶۶	۰/۶۷۵	-۱/۳۹۴	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۴۶۰	۰/۰۸۸	۰/۲۰۵	۰/۰۱۸	Liq	نسبت جاری
۰/۰۸۸	۱/۳۵۱	۰/۴۵۷	۰/۶۱۷	Lev	اهرم مالی
۰/۲۴۹	۰/۶۷۸	۰/۱۸۸	۰/۱۲۷	Loss	عملکرد سال قبل
سطح معناداری ۰/۰۰۰		آماره F ۴/۴۴۰	آماره دوربین-واتسن ۱/۵۵۲	R ² تعدیل شده ۰/۲۵۵	ضریب تعیین (R ²) ۰/۳۲۹

آزمون اضافی تفکیک بندهای شرط گزارش حسابرس

در یک آزمون اضافی، با تفکیک بندهای شرط اظهار نظر مشروط حسابرسی به دو نوع بندهای مرتبط با محدودیت در رسیدگی و بندهای مرتبط با عدم توافق با اصول پذیرفته شده حسابداری، به بررسی رابطه بین اهمیت اقتصادی صاحبکار با تعداد بندهای مرتبط با محدودیت در رسیدگی و بندهای مرتبط با عدم توافق پرداخته شد. با جایگزینی این دو متغیر به جای کل تعداد بندهای گزارش مشروط حسابرس در فرضیه دوم، نتایج نشان داد که اهمیت اقتصادی صاحبکار رابطه معناداری با هر تعداد بندهای گزارش مشروط به دلیل محدودیت در رسیدگی و عدم توافق ندارد؛ که این نتایج مشابه شواهد بدست آمده مرتبط با کل تعداد بندهای شرط گزارش مشروط حسابرسی در فرضیه دوم می-باشد (نتایج در جدول ارائه نشده است).

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، با استفاده از یک سری متغیرهای کنترلی به بررسی رابطه بین اهمیت اقتصادی صاحبکار و اظهار نظر حسابرس پرداخته شد. هدف این تحقیق پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا اهمیت صاحبکار می‌تواند باعث کاهش استقلال حسابرسان در بازار سرمایه ایران شود؟ برخی

تحقیقات گذشته یک رابطه مثبت (فرضیه حفظ شهرت) و برخی یک رابطه منفی (فرضیه وابستگی اقتصادی) را در این خصوص گزارش نموده‌اند.

برای پاسخ به این سؤال، در این تحقیق میزان حق‌الزحمه حسابرسی پرداختی به حسابرسان به عنوان مبنای شناخت اهمیت صاحبکار استفاده گردید. نتایج این تحقیق در حمایت از فرضیه حفظ شهرت بود. طبق نتایج این تحقیق، اهمیت اقتصادی صاحبکار یک رابطه مثبت و معنادار با احتمال انتشار گزارش مشروط حسابرسی دارد؛ در عین حال که رابطه معناداری با تعداد بندهای شرط گزارش مشروط حسابرسی پیدا نشد. نتایج این تحقیق مطابق نتایج رینولدز و فرنسیس (۲۰۰۱)، کراسول، استاکز و لاوتون (۲۰۰۲)، چانگ و کالاپور (۲۰۰۳)، هانت و لالاسجد (۲۰۰۷)، لی (۲۰۰۹)، ژو و ژو (۲۰۱۲)، پارک (۲۰۱۵) همچنین فونگ، ژو و ژو (۲۰۱۶)؛ و بر خلاف نتایج باسیودس، گیگر و پاپاناستاسیو (۲۰۰۶)، گاگانیس، فوتیوس و دامپاس (۲۰۰۷)، چی، داث و لیسیس (۲۰۱۲) و حسین، مونرو، ویلسون و جاب (۲۰۱۶) می‌باشد. این شواهد نشان می‌دهد که موسسات حسابرسی در بازار سرمایه ایران نسبت به صاحبکاران بزرگ، که بخش با اهمیت درآمد آنها از محل حق‌الزحمه دریافتی از آنها تامین می‌شود؛ استقلال و کیفیت حسابرسی خود را حفظ می‌نمایند. در عین حال این شواهد فقط در خصوص نوع اظهارنظر حسابرسان (مقبول یا مشروط) مشاهده گردید؛ و ارتباط معناداری میان اهمیت اقتصادی صاحبکار و تعداد بندهای شرط اظهارنظر مشروط حسابرسی یافت نشد. شاید بتوان یکی از دلایل این امر را تلفیق بندهای شرط گزارش حسابرسی توسط برخی موسسات حسابرسی عنوان نمود. ممکن است حسابرسان جهت حفظ صاحبکاران با اهمیت خود، اقدام به تلفیق بندهای شرط گزارش حسابرسی خود نمایند. این موضوع می‌تواند در آینده توسط محققان مورد کنکاش قرار گیرد. یکی دیگر از دلایل این امر را می‌توان احتمالاً کم اهمیت‌تر بودن تعداد بندهای گزارش مشروط در مقابل نوع گزارش حسابرسان در بازار سرمایه ایران دانست. این مسئله (میزان توجه به نوع گزارش حسابرسی و تعداد بندهای گزارش مشروط در بازار سرمایه ایران) می‌تواند موضوع جالبی برای محققان در تحقیقات آتی گردد.

در خصوص متغیرهای کنترل، شواهد نشان می‌دهد که متغیرهای اظهارنظر سال قبل، اندازه شرکت و اهرم مالی بطور مثبت با اظهارنظر مشروط حسابرسی و تعداد بندهای شرط اظهارنظر مشروط وابسته می‌باشند. به عبارت دیگر، شرکت‌های بزرگتر، با اهرم بیشتر و آنهایی که سال قبل اظهارنظر

مشروط دریافت نموده‌اند، احتمال دریافت گزارش حسابرسی مشروط بیشتری دارند. همچنین متغیرهای مالکیت عمده و بازده دارایی‌ها یک رابطه معنادار و منفی با اظهارنظر مشروط حسابرسی دارند. بدین ترتیب، با افزایش تمرکز مالکیت و سودآوری شرکت، احتمال دریافت نظر مشروط حسابرسی کاهش می‌یابد.

نتایج این تحقیق می‌تواند از دو بعد با اهمیت باشد. از بعد کاربردی، می‌تواند به سیاست‌گذاران همچنین سرمایه‌گذاران بازار سرمایه این بینش را بدهد که استقلال حسابرسان به واسطه اهمیت صاحبکار خدشه دار نمی‌شود؛ و آنها می‌توانند به اظهارنظرهای صادر شده توسط حسابرسان اتکاء نمایند. طبق نتایج این تحقیق، تمرکز مالکیت احتمال اظهارنظر مشروط را کاهش می‌دهد، که می‌بایست مورد توجه قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران بازار سرمایه قرار گیرد. به لحاظ دسترسی محدود به داده‌های مرتبط با حق‌الزحمه حسابرسان در صورت‌های مالی شرکتها، همچنین پیشنهاد می‌شود که الزامات بیشتری در خصوص گزارشگری جزئی‌تر این هزینه توسط شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران صورت پذیرد. از بعد نظری نیز، این پژوهش می‌تواند به ادبیات تحقیق استقلال حسابرس همچنین اهمیت صاحبکار بیفزاید. همچنین انجام این پژوهش می‌تواند باعث انگیزش محققان جهت بررسی بیشتر موضوع اهمیت صاحبکار در بازار سرمایه ایران باشد؛ که تاکنون مطالعه‌ای در این خصوص انجام نگرفته است. از محدودیت‌های عمده این تحقیق می‌توان به عدم در نظر گرفتن حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های غیر بورسی برای موسسات حسابرسی در اندازه‌گیری اهمیت صاحبکار اشاره نمود. از آنجا که درآمد موسسات حسابرسی همه ساله بطور رسمی اعلام نمی‌گردد، دسترسی به این داده‌ها عملاً غیر ممکن می‌باشد. از دیگر محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به تجمیع حق‌الزحمه خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها اشاره نمود که تفکیک این عوامل می‌تواند به حصول نتایج دقیق‌تر و بیشتر کمک نماید؛ همچنین از آنجا که افشاء حق‌الزحمه حسابرسی در بخش هزینه‌های اداری و فروش صورت‌های مالی شرکت‌ها الزامی نیست، داده‌های گمشده در خصوص این متغیر می‌تواند از دقت نتایج حاصله بکاهد. یکی از پیشنهادات این تحقیق بررسی تاثیر اهمیت اقتصادی صاحبکار بر کیفیت گزارشگری شرکت‌های متعلق به گروه (شرکت اصلی و فرعی) می‌باشد. بررسی نقش اندازه حسابرس بر رابطه بین اهمیت اقتصادی صاحبکار و کیفیت گزارشگری مالی نیز از پیشنهادات دیگر این مطالعه می‌باشد. در نهایت، بررسی دقیق‌تر این

موضوع با سایر خصوصیات حسابرسی و معیارهای کیفیت گزارشگری مالی از جمله معیارهای مدیریت سود، محافظه کاری و غیره می‌تواند در آینده توسط سایر محققان در دستور کار قرار گیرد.

منابع

1. Abbaszadeh, M. R; Manzarzadeh, H (2011). The effect of Characteristics of Board of Director on Reporting of Independent Auditors and Accepting Companies which Was Accepted in Tehran Stock Exchange, *Quarterly Journal of The Iranian Accounting and Auditing Review*, 18 (1): 95-112. (in Persian)
2. Bagherpour, M. A; Saei, M. J; Meshkani, A; & Bagheri, M (2013). Prediction of Independent Auditor Opinion in Iran: Data Mining Approach, *Iranian Accounting and Auditing Journal*, 19 (4): 134-150. (in Persian)
3. Banimahd, B; Moradzadeh Fard, M; & Zeinali, M (2012). Relationship between Auditor Switch and Opinion Change, *Iranian Accounting Knowledge Journal*, 4 (14): 91-108. (in Persian)
4. Banimahd, B; Moradzadeh Fard, M; & Zeinali, M (2011). Effect of Audit Fee on Audit Opinion, *Iranian Management Accounting*, 5 (4): 41-54. (in Persian)
5. Bartlett, R.W. (1993). A Scale of Perceived Independence: New Evidence on an Old Concept, *Accounting, Auditing and Accountability Journal*. 6 (2): 52-67.
6. Basioudis, I. G., Geiger, M. A. & Papanastasiou, V. (2006). Audit fees, non-audit fees, and auditor going-concern reporting decisions in the United Kingdom, working paper, Aston University and University of Richmond.
7. Beattie, V; Brandt, R.; & Fearnley, S (1999). Perceptions of auditor independence: U.K. evidenc", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 8 (1): 67-107.
8. Blay, A. D. (2005). Independence threats, litigation risk, and the auditor's decision process, *Contemporary Accounting Research*, 22: 759-89.
9. Carcello, J. V., & Palmrose, Z (1994). Auditor litigation and modified reporting on bankrupt clients, *Journal of Accounting Research*, 32 (Supplement): 1-30.
10. Carey P, Geiger, M; & O'Connel, B (2008). Costs Associated With Going-Concern- Modified Audit Opinions: An Analysis of the Australian Audit Market, *ABACUS*, 44 (1): 61-81.

11. Chen, S; Sun, Y. J, Sun; & Wu, D (2010). Client Importance, Institutional Improvements, and Audit Quality in China: An Office and Individual Auditor Level Analysis, *The Accounting Review*, 85 (1): 127-158.
12. Chi, W; Douthett, E. B; & Lisis, L. L (2012). Client importance and audit partner independence, *Journal of Accounting Public Policy*, 31: 320-336.
13. Chung, H; Kallapur, S (2003). Client Importance, Nonaudit Services, and Abnormal Accruals, *The Accounting Review*, 78 (4): 931-955.
14. Crasewell, A., Stokes, D.; & Laughton, J. (2002). Auditor Independence and fee Dependence, *Journal of Accounting and Economics*, 33: 253- 275.
15. DeAngelo, L (1981). Auditor size and audit quality, *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3): 183–99.
16. Dianati Deilami, Z; Malek Mohamadi, H (2013). Examine Effect of Corporate Governance Features on Financial information's Quality in Tehran Stock Exchange, *Iranian Accounting Knowledge Journal*, 4, No. 13: 151-170. (in Persian)
17. Ebadi Khordebalagh, B; Nazari, R (2014). Comparative study of changes of audit services fees and auditor opinion on the private sector and non-private sector, *Iranian Journal of Management Auditing and Accounting Knowledge*, 3 (4): 75-86. (in Persian)
18. Frankel, R., Johnson, M. & Nelson, K. (2002). The Relation between Auditors' Fees for Non-audit Services and Earnings Quality. *The Accounting Review*, 77 (Supplement): 71–105.
19. Fung, S. Y; Zhou, G; and Zhu, X. (2016). Monitor objectivity with important clients: Evidence from auditor opinions around the world. *Journal of International Business Studies* 47: 263-294.
20. Gaganis C , Fotios P; & Doumpos, M (2007). Probabilistic neural networks for the identification of qualified audit opinions, *Expert Systems with Applications*, 32: 114–124.
21. Ghosh, A S. kallapur, & Moon, D (2005). Audit and Non-Audit fees and Capital Market perceptions of Auditor Independence, *Journal of Accounting and Public Policy*, 28 (5): 369-385.
22. Gul, F.A., Chen, C.J.P. & Tsui, J.S.L. (2003) Discretionary Accounting Accruals, Managers' Incentives, and Audit Fees. *Contemporary Accounting Research*, 20 (3): 441–64.

23. Gul, F. A, kim, J, & Qiu, A (2007). Political Economy, Client Importance and Auditor Independence: Some Evidence from Chinese Non-Big 4 Auditors, working paper, Monash University Sunway Campus.
24. Hassasyeganeh, Y; Azinfar, K (2010). Relationship between Audit Quality and Auditor Size, *Quarterly Journal of The Iranian Accounting and Auditing Review*, 17 (3): 85-95. (in Persian)
25. Hossain, S; Monroe, G. S; Wilson, M; & Jubb, C (2016). The Effect of Networked Clients' Economic Importance on Audit Quality. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, In-Press.
26. Hunt, A.K; Lulseged, A (2007). Client importance and non-Big 5 auditors' reporting decisions, *Journal of Accounting Public Policy*, 26: 212-248.
27. Independence Standards Board (1999); ISB Standard No 1, Independence Discussions with Audit Committees. Gannuary, [Http://www.Cpa independence. Org](http://www.Cpa independence. Org).
28. Jamei, R; Holshi, M; & Hajieidi, A (2012). Examine Effects of Managers' Performance on Auditor Opinions in Tehran Stock Exchange, *Quarterly Journal of The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19 (4): 1-14. (in Persian)
29. Kinney, W. R., Palmrose, Z. & Scholz, S (2004). Auditor independence, non-audit services, and restatements: Was the U.S. government right?, *Journal of Accounting Research*, 42 (3): 561-88.
30. Li, C (2009). Does Client Importance Affect Auditor Independence at the Office Level? Empirical: Evidence from Going-Concern Opinions, *Contemporary Accounting Research*, 26 (1): 21-230.
31. Li, V; Hay, D, & knechel. R (2003). Non-audit services and auditor independence: New Zeaiand Evidence, working paper, University of Auckland.
32. Mautz, R; Sharaf, H. (1961), *The Philosophy of Auditing*, AAA, Sarasota, FL.
33. Park, B. (2015). Client importance and earnings quality: an analysis of the moderating effect of managerial incentives for target beating versus auditors' incentives to avoid reputational losses and litigation, *Spanish Journal of Finance and Accounting*, 44 (4): 427-457.

34. Reynolds, J. K., & Francis, J. R. (2001). Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions, *Journal of Accounting and Economics*, 30 (3): 375–400.
35. Sajadi, H (2007). The Effect of Non-audit Services and Auditor's Economic Dependence to Client on Auditors' Independence, *Iranian Financial Accounting Empirical Research*, 19: 51-72. (in Persian)
36. Sharma, V.D; Sharma, D.S; & Ananthanarayanan, U (2011). Client Importance and Earnings Management: The Moderating Role of Audit Committees, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30 (3): 125-156.
37. Shorvarzi, M. R; Zendedel, A; & Esmaeilzadeh Baghsiahi, M (2011). Comparison to wo independent auditors and financial variables in predicting bankruptcy, *Quarterly Journal of The Iranian Accounting and Auditing Review*, 18 (3): 63-78. (in Persian)
38. Teoh, H. Y., & Lim, C. C. (1996). An empirical study of the effects of audit committees, disclosure of nonaudit fees and other issues on audit independence: Malaysian evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 5 (2): 231-248.
39. Zhou, G, Zhu, X (2012). Client Importance and Auditor Independence: The Effect of the Asian Financial Crisis, *Australian Accounting Review*, 22 (4): 371-383.

Client Importance and auditor's opinions: Evidence from TSE

Mahdi Omidfar¹ Mahmoud Lari Dashtbayaz²

¹ *Instructor, Accounting, Islamic Azad University, Mashhad branch, Mashhad, Iran (Ph.D. student of Ferdowsi University of Mashhad).*

** Corresponding author: E-mail address: omidfaracc@mshdiau.ac.ir.*

² *Assistant Prof, Accounting, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (m.lari@um.ac.ir)*

Abstract: Aim of this paper is response to the question that can Client Importance (CI) leads to decreasing of auditor independence? Prior paper results indicate that auditor independence may influences by importance of special client; that can impact positively (according to reputation protection hypothesis) or negatively (according to economic dependence hypothesis) auditing quality. Results of this article using a statistics sample of corporations listed in Tehran Stock Exchange (TSE) during 2004 to 2012 indicate that CI has a relationship with auditor's opinions. These results are matching with reputation protection hypothesis, that confirm uninfluenced of CI on auditor's independence. In relation with control variables, the results indicate that block ownership and ROA have a negative relationship, also prior opinions, firm size and leverage have a positive relation whit auditor's opinions and number of opinion's remarks.

Keywords: *Auditor Independence, Auditor Opinions, Client Importance, Remarks of Qualified Opinions.*